



را در اصول دین نشمرده ایم.

در تقسیم بندی مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه اصول دین به طریق زیر دسته بندی میشود:

اصل اول: معرفت خداوند، با جمیع بحث های مربوطه در ذات و صفات و افعال

اصل دوم: معرفت پیامبر، با جمیع اقوال و اعتقاداتی که بیان فرموده

اصل سوم: معرفت ائمه، با جمیع مراتب و فضائل

اصل چهارم: معرفت شیعیان، (علما) (برادران دینی) و (دوستی با آنها و دشمنی با اعداء)

همین اصل چهارم یا به زبان عربی رکن رابع موضوع ما در این پست میباشد. کتب متعددی در مورد آن نوشته شده که معروفترین آن جلد چهارم کتاب ارشاد العوام است که از بخش دانلود کتاب قابل دریافت میباشد. اما در ادامه قسمت هایی از رساله رکن رابع را که توسط مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع تصنیف شده را ذکر میکنیم:

پس چهار امر در اینجا پیدا شد که همه را باید شناخت و اعتقاد کرد :

اول خداوند عالم که خالق ماست از عدم و رازق و مالک ماست دویم حجت او و خلیفه او در میان خلق که میتواند از او بگیرد و بما برساند و پیغام آور اوست بسوی خلق سیوم ولی عهد آن پیغمبر که او را جانشین خود و قائم مقام خود میکند در رحلت خود و بعد از خود و همچنین جانشینان در هر عصری که اینها همه باید معصوم و مطهر باشند و اینها حجت های آن پیغمبرند بر عباد چهارم راویان اخبار و حاملان آثار و دانشمندان عالی تبار و رسانندگان باطراف عالم و اینها حجت های ولی عهد هستند بر سایر ضعفا که دسترس ندارند که بخدمت ولی برسند و مدار تدین و دین بر معرفت این چهار است خواه ملت آدم باشد یا ملت نوح یا ابرهیم و موسی و عیسی و خاتم صلوات الله علیهم یا غیر ایشان در هر مذهبی و دینی این چهار امر را باید شناخت و الا انسان بآن مذهب متدین نیست و اگر از علمای هر ملتی از یهودی و نصرانی و مجوسی استفتا کنید میگوید که معرفت این چهار واجب است و این چهار رکن دینند که اگر یکی نباشد بنیاد دین منهدم میشود .

حال نمیدانم لفظ رکن سبب وحشت است یا چهار بودن سبب اضطراب شده است بلکه اساس عیش بنی آدم بر این است

آنانی که رد میکنند سخن را یا ندانسته اند و یا دانسته اند و عناد میکنند و شاید که بر این معنی لباسها بپوشانند از راه عناد که رکن رابع مقامی مثل امامت است و گاه باشد که بگویند که فلانی خود را رکن رابع و رکن رابع را هم منحصر در فرد و مفترض الطاعه میداند و گاه باشد که بگویند که فلانی

مدعي سلطنت است و این حکایت رکن رابع اسباب ادعای سلطنت است و خود را امام سیزدهمی قرار داده و از این قبیل مزخرفات بگویند و شیخیه را جفت بابیه ملاحده قرار دهند و اظهار کنند که اینها هم طالب فساد در ملکند و خیال خروج در مملکت دارند و سالهای دراز است و چهل پنجاه سال است که اعادی اینگونه تهمت‌ها را زده‌اند و در نزد هر کس گفته‌اند اگر قومی خیال فاسد داشته باشند در مدت پنجاه سال آیا ابداء اثری از آن بروز نمیکند و آیا میشود که کسی که خدا را شناخت و طوق شریعت را در گردن خود گذاشت پیرامون فساد بگردد واللہ العلی الغالب و بحق حضرت بقیةاللہ عجل اللہ فرجه که مجموع اینها افتراست و محض عداوت و کار دشمن همین است و پیش هر کسی دشمن خود را بطور مناسب آنکس متهم مینماید و الا بحق خدای منتقم قهار که هیچیک از این تهمت‌ها واقعیته ندارد و بجز افترا نیست لکن چه میتوان کرد پیغمبران خدا و ائمه هدی سلام اللہ علیهم از شر زبان دشمنان ایمن نبودند وانگهی که این فتنه و خیال خروج برای عالم برزخ است یا روز قیامت عمرم بشصت قریب شده و ریش سفید گشته و دندانها ریخته و قوی و مشاعر بتحلیل رفته و تن علیل و رنجور مانده و در گوشه دهی خراب منزل گزیده و مرتکب هیچگونه امری نیستم و هیچ ریاستی و ولایتی و حکومت شرعی و تولیت وقفی ندارم و بامر فقیری و درس و بحث خود و دعای دولت قاهره شبی بروز و روزی بشب میآورم آخر این خیال تا کی بروز میکند و انشاء اللہ تعالی این دار فانی را بسلامتی دین و دنیا وداع کرده باعادی میگذارم و کذب ادعاهای ایشان آنوقت ظاهر میشود .

گاهی جمیع مؤمنان را از علما و جهال به اسم شیعیان ذکر میکنیم و اولیاء ائمه علیهم السلام میگوئیم و میگوئیم که دین خداوند چهار رکن دارد : اول معرفت خدا جل و علا دویم معرفت رسالت پناهی صلی اللہ علیہ و آلہ سیوم معرفت ائمه هدی سلام اللہ علیهم چهارم ولایت اولیاء اللہ و برائت از اعداء اللہ ، نظر بآنکه هر که جز امام است رعیت است و از اولیاء امام است خواه راوی باشد و خواه نباشد و باین معنی هم جمیع ملتها اجماع دارند زیرا که با ایمان نمیسازد که کسی بگوید که من ایمان بخدا دارم ولی هر کس با خدا دوست باشد من او را دشمن میدارم و هر کس با خدا دشمن است من او را دوست میدارم یا بگوید من بمحمد و علی ایمان آورده‌ام ولی هر کس محمد و علی را دوست دارد او دشمن دارد و هر کس محمد و علی را دشمن دارد او دوست دارد...

دوست تو کسی است که با دوست تو دوست باشد و با دشمن تو دشمنو دشمن تو است آنکس که با دوست تو دشمن باشد و با دشمن تو دوست ، پس بالبداهه دوست علی علیه السلام کسی است که دوستان علی را دوست دارد و دشمنان علی را دشمن چنانکه حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہ فرمودند دوست دار دوستان علی را اگر چه کشنده پدر و پسر تو باشند و دشمن دار دشمنان علی را اگر چه پدر و پسر تو باشند پس از این جهت گفتیم ایمان چهار رکن دارد و رکن چهارم آن دوستی دوستان خداست و دشمنی دشمنان خدا...

باری اینست بطور اختصار معنی رکن رابعی که ما میگوئیم هر کس غیر از این از ماها ذکر کند افتراست.

